

# «سایم آور خوبی ہا»

بیانات مرجع عالیقدر  
حضرت آیت اللہ العظمی  
سید صادق حسینی شیرازی رحمۃ اللہ علیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست عناوین

- ۶.....شناساننده پاکی‌ها و ناپاکی‌ها
- ۸.....تشکری به رسم و وظیفه
- ۱۲.....تبعات ممانعت از زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام
- ۱۳.....چه خوب است اگر یک سال مریض شوی!
- ۱۶.....متوکل و دیگر مخالفان زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام
- ۲۳.....گورهای ویران خلفای عباسی
- ۲۷.....ضرورت نشر و تبلیغ آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۳۳.....زشت و زیبا در آیین اسلام
- ۳۶.....از کوتاهی‌های امرا و علما
- ۳۸.....قلمرو پاک امیر مؤمنان علیه السلام
- ۴۲.....کوشش‌های کشیش تازه مسلمان در راه تبلیغ آیین اهل بیت علیهم السلام
- ۴۶.....مظلومیت شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله در زمانه ما

۴.....	پیام آور خوبی‌ها
۴۸.....	همراهی و هم‌نیازی تولی و تبری
۵۰.....	جوانان را دریابید
۵۲.....	پایداری و ایستادگی در تبلیغ
۵۴.....	وظیفه سنگین‌تر علما و امرا
۵۷.....	تفاوت ازدواج جوانان در گذشته و امروز
۶۰.....	تسهیل ازدواج جوانان در موسم ربیع
۶۳.....	از حرف تا عمل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على  
أشرف الأنبياء والمرسلين وعلى أهل بيته الطيبين  
الطاهرين واللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من  
الآن الى قيام يوم الدين.

شهادت اشرف مخلوقات خدا از اولين تا آخرين،  
پيامبر بزرگوار اسلام، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ  
و سبط اكبر ايشان، حضرت امام حسن مجتبي ﷺ -  
البتة بنا به قولى؛ چرا كه قول صحيح تر در شهادت  
حضرت، هفتم صفر است - نیز مناسبت جانسوز  
شهادت امام رؤوف، حضرت على بن موسى  
الرضا عليه السلام را به مقام رفيع و منيع ولايت عظمى  
و ولايت كبرى، حضرت بقیة الله الأعظم،  
مهدى موعود عليه السلام تعزيت می گویم.

۶.....پیام آور خوبی‌ها

و بشر را که امروزه بر اثر دوری از این معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ متوجه انواع بلاها شده‌اند نیز به مناسبت این داغ‌های فراموش ناکردنی تسلیت می‌دهم. بی‌تردید مشکلات و مصائب عدیده بشر حاصل و معلول مصائبی است که بر سر آن امامان همام و معصومان ارجمنند، وارد شده است. خاصه مؤمنین و مؤمنات را که در هر جای جهان هستند و دل‌هایشان از این مصیبت‌ها آکنده از حزن و اندوه است، تعزیت می‌گویم. امیدوارم که خدای عزوجل عنایت ویژه‌ای به حال همه ما بفرماید و در ظهور حضرت بقیه الله الأعظم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تعجیل بفرماید تا هرچه زودتر گریبان بشر را از مشکلات گوناگونی که به آن گرفتار است برهاند.

#### شناساننده پاکی‌ها و ناپاکی‌ها

قرآن کریم درباره پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آیه‌ای می‌فرماید: «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ

شناساننده پاکی‌ها و ناپاکی‌ها ..... ۷

الْخَبَائِث؛<sup>۱</sup> و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را برایشان حرام می‌گرداند.

در این دو جمله از قرآن، دنیایی از مطلب خفته است. کافی است که ردّ پای آن‌ها را در رفتار و عملکرد پیامبر ﷺ دنبال کنیم. طبیات یعنی خوبی‌ها و پاکی‌ها، که در اینجا به قول عالمان ادبیات عرب جمع محلاً به أَلْف و لام است. خبائث نیز که با أَلْف و لام تعریف آمده است ناظر به چیزهای بد و ناپاک است.

این آیه از نگاهی ویژه عملکرد پیامبر ﷺ را به طور کلی شرح داده است. یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم ﷺ که می‌توان آن را عملکرد و نقش مهم او تلقی کرد، تبیین و معرفی خوبی‌ها در انواع مختلف آن و تمام بدی‌ها است. به این نحو که خوبی‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی یا خوبی‌هایی که به امور

---

۱. سوره الأعراف، آیه ۱۵۷.

۸.....پیام آور خوبی‌ها

خانوادگی یا حتی فردی مربوط می‌شود مثل توصیه‌های ضروری بهداشتی و سلامت جسم و روح و روان انسان را برای او شرح می‌دهد. «الطَّيِّبَاتِ» ناظر به مفهوم خوبی‌ها با همه گستردگی‌اش است.

در مقابل الخبائث هم به همه بدی‌ها و اموری که به نحوی به انسان و حیات او گزند وارد می‌کند، اشاره دارد که از جانب پیامبر ﷺ نفی شده است؛ خواه این آسیب اقتصادی باشد یا سیاسی و یا اجتماعی و یا در امور نظامی. پیامبر ﷺ حتی توصیه‌های مورد نیاز را چه در زمان جنگ و چه صلح و یا حتی پیش از آغاز جنگ هم به اندازه میسور بیان فرموده‌اند.

### تشکری به رسم وظیفه

آیاتی که ذکر آن‌ها رفت، ناظر به پیامبر اکرم ﷺ است. پیش از آنکه دنباله بحث را پیش بگیریم بر خود لازم می‌دانم به آیین وظیفه، از حاضران و شرکت



تشکری به رسم وظیفه..... ۹

کنندگان و فراهم آورندگان مراسم پر شور اربعین حسینی فراوان تشکر و قدردانی کنم. از همه کسانی که توفیق یارشان بود و توانستند در اجرای این شعیره مقدس در هر کجای دنیا، اعم از کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی گامی بردارند و تلاشی بکنند، به ویژه کسانی که به زیارت مرقد مقدس حضرت امام حسین علیه السلام نائل شدند، صمیمانه و از سر ارادت و اخلاص تشکر می‌کنم. اگرچه همه اینها در نامه اعمال صاحبان آنها ثبت است و اجر آنها در نزد خدای متعال محفوظ خواهد بود.

من از سر وظیفه از همه کسانی که در احیای این شعیره مقدس تلاش کردند تشکر می‌کنم؛ آنهایی که وسایل آمد و شد زوار را تهیه کردند، آنهایی که با پای برهنه - که در روایات هم وارد شده است - ده‌ها و صدها کیلومتر را از داخل و خارج عراق برای برپایی شعیره اربعین به سوی کربلا پیاده رفتند،

۱۰.....پیام آور خوبی‌ها

آن‌هایی که اطعام کردند، آن‌هایی که دار و ندار خودشان را برای اربعین مقدس امام حسین علیه السلام فروختند و کسانی که برای این کار خانه‌ای فروختند یا رهن دادند یا مجبور شدند ماشین خود را بفروشند؛ به ویژه کسانی که در این راه مقروض شدند که در میان آن‌ها هستند افرادی که برای پرداخت بدهی‌های خود - همان‌گونه که سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بوده - مجبور شدند دوباره زیر دین دیگری بروند.

وظیفه شرعی خود دانستم و برای همه آن‌ها در نمازهای خود دعا کردم و باز چنین خواهم کرد و بدان افتخار می‌کنم و آن را فضیلتی برای خود می‌دانم؛ زیرا هنگامی که امام معصوم علیه السلام در سجده‌های خود همراه با گریه برای این افراد دعا فرموده است ما در این میان چه حرفی برای گفتن می‌توانیم داشته باشیم؟! آیا مگر جز این است که عمل امام معصوم علیه السلام برای ما حجت است؟ بر این

تشکری به رسم وظیفه ..... ۱۱

اساس، دعا کردن به این افراد را بر خود وظیفه شرعی می‌دانم. باشد که هرکه صدای من را می‌شنود، چه اکنون و چه بعدها او نیز برای بالا بردن مقام خودش، برای اینان دعا کند و به آنان یاری رساند.

مدیون شدن در این راه، نه اینکه امری ناخوشایند باشد بلکه فضیلتی درخور افتخار و قدردانی است. البته باید تلاش کرد تا بدهی کسی که برای احیای شعیره اربعین قرض گرفته است، پرداخت شود، اما اگر حیثاً این کار میسر نشد مگر به گرفتن قرضی دیگر، در انجام این کار تردید نکنید.

احیای شعائر حسینی در دو جهان مایه نام‌آوری و بالیدن است. پس با تحقیق و تتبع به یاری آنانی بشتابید که از حیث سیاسی، اقتصادی یا خانوادگی به مشکلاتی گرفتار شده‌اند و از این راه برای بالا بردن مقام خود در پیشگاه خدای عزوجل کوشش کنید.

۱۲.....پیام آور خوبی‌ها

### تبعات ممانعت از زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام

وای به حال کسانی که در راه اقامه اربعین مقدس حسینی کارشکنی کردند، حال به هر نحو که این کار روی داده باشد! روایتی در دست است که با شنیدن آن بدنم به لرزه می‌افتد. این روایت که از حیث سند معتبر است به ما می‌فهماند که بشر از چه امور عظیمی در غفلت است و چقدر بیچاره است که خود را از آن‌ها محروم کرده است.

به عنوان مقدمه برای بیان این روایت عرض کنم که شکی در این مطلب نیست که زیارت امام حسین علیه السلام از حج افضل است. هیچ مسلمانی از شیعه و عامه نمی‌تواند بر این مطلب ایراد بگیرد؛ زیرا در روایات خاصه و عامه نقل شده است و در آن جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست. اگر روایات وارد شده از خاصه و عامه در این باب را کسی گرد هم بیاورد یک کتاب مستقل می‌شود؛ خاصه اگر این کار را یکی از فضلا و اهل علم انجام دهد و با شرح آن‌ها بر فایده آن کتاب بیفزاید.

چه خوب است اگر یک سال مریض شوی!..... ۱۳

حج فریضه‌ای است که به جای خود واجب است و بحثی در آن نیست. اما زیارت امام حسین علیه السلام را به جز جماعتی از علما که از جمله آن‌ها مرحوم علامه مجلسی و پدر ایشان و برخی دیگر که گفته‌اند زیارت ایشان همانند حج در سال یکبار واجب است، بقیه علما عموماً رأی به استحباب آن داده‌اند. مشهور عالمان شیعه، زیارت آن جناب را مستحب مؤکد دانسته‌اند؛ مستحبی که بی‌استثنا از همه مستحبات دیگر جایگاه آن بالاتر است.

### چه خوب است اگر یک سال مریض شوی!

با این مقدمه به سراغ روایت می‌رویم. روایت مذکور از اسحاق بن عمار، یکی از اصحاب ثقه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است. او کسی است که از شیخ مفید و شیخ طوسی گرفته تا صدها و هزاران فقیه شیعه تا به امروز طبق روایات او عمل

می‌کنند. او به امام صادق علیه السلام ماجرای را نقل کرد و گفت: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ رَجُلًا اسْتَشَارَنِي فِي الْحَجِّ وَكَانَ ضَعِيفَ الْحَالِ، فَأَشَرْتُ إِلَيْهِ أَنْ لَا يَحُجَّ؟ فَقَالَ عليه السلام: "مَا أَخْلَقَكَ أَنْ تَمْرُضَ سَنَةً". قَالَ: فَمَرَضْتُ سَنَةً؛<sup>۱</sup> به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم مردی از من درباره حج نظر خواست و من او را سست‌بینه یافتم. به همین دلیل او را راهنمایی کردم که به حج نرود. حضرت فرمود: چقدر خوب است که یک سال را [بابت این فتوای نادرست] مریض شوی. و [اتفاقاً] من یک سال مریض شدم».

راوی، اسحاق بن عمار شخصی را که ضعیف و کم‌بینه بوده است از رفتن به سفر حج مستحب معذور داشته و گفته است که به نظرش لازم نیست به حج برود. این سخن که حاصل برداشت شخصی راوی

---

۱. الوافی، ج ۱۲، ص ۲۶۰.

چه خوب است اگر یک سال مریض شوی!..... ۱۵

بود، پس از بازگو شدن در محضر امام صادق علیه السلام مردود شناخته شد. اظهار نظر درباره احکام خدای متعال البته کاری بس دشوار و خطیر است و تبعات آن هم نه فقط در این دنیا، بلکه دامن او را در آن دنیا خواهد گرفت. پاسخ حضرت به او بزرگی اشتباهش را نشان می‌دهد. چنین بیانی در هزاران روایتی که از حضرت صادق علیه السلام و پدران و فرزندان معصوم ایشان نقل شده است، کم‌نظیر و شاید هم بی‌نظیر است.

حضرت به او فرمود که کار بدی کردی. فقط گفت: «مَا أَخْلَقَكَ أَنْ تَمْرَضَ سَنَةً!»؛<sup>۱</sup> چه سزاوار است اگر به جبران این خطایت یک سال رنج بیماری را بر خود هموار کنی. همین‌گونه هم شد. آن شخص یک سال تمام بیمار شد و هرچه مداوا کرد سودی نبخشید.

---

۱. عوالم العلوم، ج ۲۰، ص ۱۰۵۵.

۱۶.....پیام آور خوبی‌ها

راوی مذکور از اصحاب سرشناس امام صادق علیه السلام است و صدها مسئله شرعی را از ایشان نقل کرده که اکنون در دست است. با این حال به دلیل آنکه شخصی را از رفتن به حج مستحب باز داشت، یک سال تمام بیمار شد. خوشا به حال چنین کسانی که عقوبت کردار نادرست خود را در همین دنیا ببینند و کار مجازات آن‌ها به آخرت نکشد!

#### **متوکل و دیگر مخالفان زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام**

نهی از حج مستحب چنین عقوبتی در بر دارد، وای به حال کسی که از زیارت امام حسین علیه السلام منع کند! و وای به حال کسی که در زیارت ایشان کارشکنی کند! کجایند امثال هارون و متوکل که مانع زیارت مردم از مرقد مطهر سیدالشهدا علیه السلام شدند؟! کجاست هارون که به ابرها می‌گفت: بیارید که هرکجا بیارید سرزمین من است و حاصل آن به من بازمی‌گردد. چنین طاغوت



متوکل و دیگر مخالفان زیارت حضرت سیدالشهدا..... ۱۷

خودخواه و خودکامه‌ای که تاریخ مانند آن به خود کم دیده است، الآن کجاست؟

غالباً قبر خلفای بنی‌عباس ناشناخته است. در میان آنان هارون قبر مشخصی دارد که آن هم در پشت مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام است. تازه هرکس که به زیارت امام می‌رود و به یاد قبر هارون در آنجا می‌افتد با صدای بلند او را لعن می‌کند و اطرافیان هم به او «بیش‌باد» می‌گویند. حقّ او هم همین است. چه بسیار افرادی را که از زیارت قبر امام حسین علیه السلام منع کرد و کتک زد و حبس کرد، حتی برخی را هم کشت. در تواریخ نقل شده است که در مواردی خود شلاق به دست می‌گرفت و زائران حضرت علیه السلام را شلاق می‌زد. متوکل، دیگر خلیفه عباسی هم کارنامه سیاهی در مبارزه با زائران حسینی داشت. به فرمایش حضرت امیرمؤمنان علیه السلام، او در میان خلفای عباسی کافرترین است. حضرت این سخن را زمانی بیان فرمودند که

۱۸.....پیام آور خوبی‌ها

هنوز متوکل عباسی حتی به دنیا نیامده بود. داستان‌های وارد شده از متوکل در آزار و اذیت زائران امام حسین علیه السلام و مبارزه با برگزارکنندگان تعزیه آن حضرت در تاریخ بسیار است. در اینجا به مناسبت دو مورد از ستم‌های او به زائران امام حسین علیه السلام را یاد می‌کنیم که در کتاب‌های تاریخی موجود است.

سخت‌ترین ایام بر زائران امام حسین علیه السلام که تاریخ از آن یاد می‌کند در ایام حکومت متوکل عباسی بود. سال‌ها حکومت آن خلیفه جائز طول کشید و در همه آن مدت بارها دوران‌های دشواری را زائران حضرت به چشم دیدند. اما اوقاتی هم پیش می‌آمد که گاهی تا دو، سه سال هم طول می‌کشید که ظلمه به یکدیگر مشغول بودند و بر سر تاج و تخت خود با یکدیگر جنگ و ستیز داشتند. این دوران‌ها که گاهی تا دو، سه سال هم به طول می‌انجامید فرصت خوبی برای زائران و محبان حضرت سیدالشهدا علیه السلام بود که برای ابراز

متوکل و دیگر مخالفان زیارت حضرت سیدالشهدا..... ۱۹

ارادت و محبت خود از گوشه و کنار به سوی مرقد مطهر آن حضرت بشتابند و در کنار آن اتاق و خانه بنا کنند؛ لذا چند وقتی که اوضاع بدین منوال می‌گذشت جمعیت افرادی که به آن سامان روی می‌آوردند فزونی می‌یافت. یکی خانه می‌ساخت، یکی می‌فروخت و دیگری اجاره می‌داد. عده‌ای هم منازل و اتاق‌های خود را مجانی در اختیار زائران می‌گذاشتند. روی هم رفته مجموعه شهرک مانندی در گرد مزار حضرت ایجاد می‌شد. اما همین که متوکل - و خلفای دیگر - به خود می‌آمدند و متوجه این امر می‌شدند به اعوان و عمال خود دستور می‌دادند که به آنجا بروند و خانه‌ها و اتاق‌های بنا شده در آن را خراب کنند و مردم را از گرد قبر حضرت برانند و تار و مار کنند.

در تاریخ درباره متوکل ذکر شده است که چند بار به رئیس شرطه‌اش چنین دستوری داد. رئیس شرطه هم با نیروهایش به کربلا می‌رفت و می‌دید که مردم

۲۰.....پیام آور خوبی‌ها

جمع شده‌اند و خانه‌ها و بازارهایی به راه افتاده است و جمع کثیری هم در آنجا ساکن شده‌اند. بالفور دستور می‌داد که هر کس در آنجا بماند به فرمان متوکل اعدام خواهد شد.

یک بار که این اتفاق افتاد و مأمور متوکل به کربلا آمد و چنین اعلامی سر داد، یکی از زائران دوستدار حضرت سیدالشهدا علیه السلام جلو آمد و گفت: ما از اینجا نمی‌رویم، حتی اگر ما را اعدام کنید. ولی بدانید اگر ما را بکشید باز افراد دیگری هستند که دوباره به اینجا خواهند آمد و اینجا از سکنه خالی نخواهد ماند. صلابت سخن آن شخص و اصرار او مأموران متوکل را واداشت که خبر را به متوکل برسانند و حرف‌های آن مرد را برای او بازگو کنند. هنگامی که خبر به متوکل رسید از قضا متوکل با مشکلاتی دیگر درگیر بود و به مأمورانش گفت که فعلاً آن‌ها را به حال خود رها کنید تا به مسائل دیگر پردازیم و بعداً دوباره به سوی آن‌ها خواهیم رفت.

متوکل و دیگر مخالفان زیارت حضرت سیدالشهدا..... ۲۱

دیگر بار باز متوکل کسی را روانه کربلا کرد تا از اخبار آنجا اطلاع کسب کند. این دفعه نیز فرستاده متوکل با جمع کثیری از زوآر در آنجا مواجه شد. این بار وعده مرگ و اعدام نداد. در میان آنان با صدای بلند بانگ زد که هرکس در اینجا بماند «المطبق» مجازات او خواهد بود. مطبق، گونه‌ای ویژه در مجازات و تعذیب در دستگاه عباسیان بوده است که در کتاب بحار الانوار علامه مجلسی و در کتب تاریخ عامه به تفصیل جزئیات آن شرح داده شده است. گویا واضع آن، منصور عباسی بوده است و بعدها در زمان متوکل و پس از او هم ادامه داشته است.

مطبق چنان بوده که در میانه بیابان‌های دور و خلوت چاه‌های عمیقی حفر می‌کردند و در چهار طرف دیواره‌های آن هرچند متر اتاقک‌های خیلی کوچکی در می‌آوردند و سقف آن‌ها را به حدی پایین می‌گرفتند که کسی توان نشستن در آن‌ها را هم نداشته

۲۲.....پیام آور خوبی‌ها

باشد. در این مکان که شاید وسعت آن کمتر از یک متر باشد میخی بر زمین می‌کوبیدند و با زنجیر، زندانی را آن‌جا می‌بستند.

آری، زائر امام حسین علیه السلام را به پشت می‌خوابانیدند و دست و پایش را با زنجیر به میخ می‌بستند. هر از گاهی هم قدری آب و نان به او می‌دادند که زود نمیرد. با این کار او را آنقدر شکنجه می‌دادند که به مرور زمان ضعیف شود و جان دهد.

شگفتا که ابن عربی، متوکل را می‌ستاید و منزلت او را از حاکمی معمولی که صرفاً به امر خلافت گماشته شده است فراتر می‌برد و او را همپای پیامبر صلی الله علیه و آله منصوب از جانب خدای متعال می‌داند.

این‌ها به حق، که هستند که این مایه سنگدل و بی‌رحم‌اند؟! متوکل که بر زبان حضرت امیرمؤمنان علیه السلام کافرترین خلفا خوانده شده است در آزار و شکنجه زائران حضرت ابا عبدالله علیه السلام گوی

گورهای ویران خلفای عباسی ..... ۲۳

سبقت را از دیگران ربوده بود. در داستان‌هایی که نقل شد، نخست بار که مأمور او در کربلا فریاد برآورد هر کس بماند کشته می‌شود، بسیاری نرفتند و حاضر شدند در جوار مولایشان کشته شوند اما بار بعدی که آن‌ها را به شکنجه با المطبق تهدید کردند کسی نماند و همه رفتند. تا این اندازه المطبق دردآور و طاقت‌فرسا بوده است.

### گورهای ویران خلفای عباسی

اگر در آثار به‌جا مانده از این خلفا بگردید قبر و بارگاهی برای آن‌ها نخواهید یافت. عموماً امروزه قبرهای آن‌ها ویرانه‌هایی بیش نیست. از حرم حضرت هادی و امام عسکری علیهما السلام اگر دو، سه کیلومتری را در صحرا به طرف ملویه بروید، به منطقه خشک و بی‌حاصلی به نام الخلفا می‌رسید. آن‌جا گور شش تن از خلفای عباسی است. به همین دلیل مردم آن منطقه نام «الخلفاء» را بر آن نهاده‌اند. یکی از آن شش نفر

۲۴.....پیام آور خوبی‌ها

متوکل است. در صحرایی خشک و بدون حتی یک آجر بنا؛ گورهایی متروک و رها شده در آنجا افتاده‌اند. دریغ از حتی یک نفر که به زیارت و قرائت فاتحه‌ای به آنجا برود. آنجا روزی وسط شهر سامرا بوده است؛ یعنی همان زمانی که آن خلفا زنده بودند و حکمرانی می‌کردند. اما اکنون حتی یادی یا مزار ساده‌ای هم از آن‌ها به جای نمانده است.

نباید از زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام نهی کرد آیا حیف نبود که اکثر کشورهای دنیا امسال مردم را از زیارت مقدس امام حسین علیه السلام در اربعین منع کردند؟! از بعضی از این کشورها که مسلمان نیستند نمی‌توان خیلی خرده گرفت، اما از کشورهای اسلامی توقع چنین کاری نمی‌رفت. آیا خدای متعال به آن‌ها ولایت داده است که مردم را از زیارت امام حسین علیه السلام منع کنند؟! در برخی ادوار در روزگار ائمه اطهار علیهم السلام دست و پای کسانی را که به زیارت آن حضرت می‌رفتند، قطع می‌کردند. تصور کنید که کسی دست



گورهای ویران خلفای عباسی ..... ۲۵

خود را جلو ببرد و آن را با ساتور قطع کنند تا اجازه رفتن به زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام را به او بدهند. واقعاً صحنه دلخراشی است!

با این همه دشواری‌ها، حضرات معصومین علیهم السلام هیچ‌گاه شیعیان خود را از زیارت آن امام منع نکردند، بلکه علی‌رغم دشواری‌ها و خطرات موجود در زیارت آن حضرت، باز مردم را به این کار تشویق نمودند. در همان زمان متوکل، حضرت امام هادی علیه السلام فرمودند: «کسی را بیایید که به کربلا برود و در نزد مرقد امام حسین علیه السلام برای من دعا کند». در همان برهه‌های سخت بود که زیارت امری دشوار و بعضاً خطرناک بود. آیا حضرت امام هادی علیه السلام از این مخاطر آگاه نبود؟ بی‌شک چنین نیست و حضرت کاملاً از شرایط خطرناک زیارت در زمانه خود مطلع بودند. اما داستان زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام یک استثناست.

۲۶.....پیام آور خوبی‌ها

همه شعائر امام حسین علیه السلام و قضایای مربوط به ایشان چنین استثنایی را دارا هستند. از این رو به این سادگی‌ها نمی‌توان مردم را از زیارت حضرت باز داشت. به جای اینکه در زیارت تسهیل کنند، مثلاً به افرادی که توان مالی ندارند کمک کنند، راه زیارت را بر آنها بستند. وای به حال آنها! وای به حال تک تک آنها! اگر خدا به آنها رحم کند، در همین دنیا آنها را عذاب کند و اگر کار به آخرت بکشد، خدا داند در آخرتی که پایانی ندارد چه بر سرشان خواهد آمد؟

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به شخصی که تقه بود و به کسی که می‌خواست به حج مستحب برود نظر داد که نرود، فرمود چه سزاوار است که در همین دنیا یک سال رنج بیماری بکشی، بهتر از این است که کارت به آخرت بکشد. آن شخص هم تصریح کرد که مریض شدم و یک سالی بیماری‌ام طول کشید و در آن مدت دوا و درمان فایده‌ای نداشت تا هنگامی که

ضرورت نشر و تبلیغ آیین رسول خدا..... ۲۷

وعده‌ای که امام فرموده بود سر رسید و از آن بیماری بهبود یافتم.

**ضرورت نشر و تبلیغ آیین رسول خدا ﷺ**

کوشش کنید که این مطالب به گوش مردم دنیا برسد. پیامبر خدا ﷺ چقدر در فرمایش‌های خود به این امر تأکید کردند. فقط در خطبه غدیره‌شان بارها فرمودند: «فلیبلغ؛ این سخنان رسانده شود». لام در فلیبلغ، لام امر است. تبلیغ این مسائل از اوامر دین است که باید اطاعت شود. همین موبایل‌ها که امروزه در دست اکثر ما هست، ابزار توانمندی در تبلیغ حقایق و احکام دین به مردم دنیا، چه مسلمان و چه غیرمسلمان است. این را باید وظیفه دانست و نسبت به آن، احساس مسئولیت کرد.

بنده از همه کسانی که در راه این شعیره مقدس امام حسین علیه السلام خدمت کردند، تشکر می‌کنم؛ مخصوصاً از

۲۸.....پیام آور خوبی‌ها

کسانی که برای معرفی اربعین مقدس حسینی به جهان از شبکه‌های ماهواره‌ای استفاده کردند. تبلیغ در این راه بسیار مهم و حائز اهمیت است. پیامبر اکرم ﷺ سیزده سال از رسالت خود را در مکه مکرمه گذرانیدند. آن مدت برای حضرت سراسر با سختی و مشکلات همراه بود. با این حال دست از تبلیغ شریعت اسلام برنداشتند. از منابع خوبی که زندگی حضرت و مشکلات فراوان او را ذکر کرده کتاب ارجمند بحار الأنوار، مجلدهای ۱۴ الی ۲۲ است. در چند سالی که حضرت بیرون از مکه مکرمه در تبعید بودند با آنکه مشرکان او را تهدید کرده بودند که اگر پایش را در مکه بگذارد او را می‌کشند، باز تلاش زیادی برای وارد شدن به مکه می‌کردند. برای این منظور حتی پیغام‌هایی را برای برخی بزرگان قبایل می‌فرستادند تا با دعوت و حمایت آن‌ها به مکه بیایند تا کسی در آنجا متعرض ایشان نشود.

ضرورت نشر و تبلیغ آیین رسول خدا..... ۲۹

حضرت این کار را فقط برای تبلیغ رسالت خود در میان قبایل عرب آنجا می‌کرد. همین که به مکه می‌آمد به میان قبایل مختلف می‌رفت و رسالت خود را تبلیغ می‌کرد. در یکی از حضورهای خود در مکه آن‌گونه که در تاریخ آمده است به قریب به ۱۳ تا ۱۷ قبیله سر زد و آن‌ها را به اسلام دعوت کرد، ولی هیچ یک دعوت او را نپذیرفتند. اگر یکی از ما بود چه بسا زود از تبلیغ پس می‌کشیدیم و می‌گفتیم تأثیری بر آن‌ها ندارد. اما رسول خدا ﷺ هرگز ناامید نشد و با توکل بر خدا وظیفه‌ای را که خدای متعال به او محول کرده بود تا به آخر انجام داد.

آیا مگر نه این است که قرآن کریم ما را در آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛<sup>۱</sup> قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست» سفارش به تبعیت و پیروی از ایشان کرده است؟ پس ما نیز

---

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۳۰.....پیام آور خوبی‌ها

باید به پیروی از آن جناب در تبلیغ شریعت اسلام و احکام آن، آستین همت بالا زنیم و دیگران را نیز به این امر تشویق کنیم. هر چه را از اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده است نشر و گسترش دهیم؛ چه امور مستحسن که باید انجام پذیرند و چه امور نکوهیده‌ای که حضرات معصومین علیهم‌السلام ما را از آنها نهی فرموده‌اند ما نیز نواهی آنها را باید تبلیغ کنیم. در این کار قصه‌ها و روایات فراوان در دست است که برای تحصیل مقصود مفید و کارگشاست.

من از همه دست‌اندرکاران تبلیغ به ویژه کسانی که شبکه‌های ماهواره‌ای شیعی و سالم را در خدمت تبلیغ و تبیین فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام چه در جهت مسائل تولّی و چه تبرّی راه‌اندازی کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم. شایسته است که همگی آنها را حتی با گفتن یک «آری» حمایت کنیم. بی‌شک ثواب تشویق آنان در پیشگاه خدای متعال به حساب خواهد آمد. در روایات

ضرورت نشر و تبلیغ آیین رسول خدا..... ۳۱

هم به این امر که اعمال انسان از ریز و درشت در نزد خدای متعال اجر و ثواب دارد، بسیار سخن رفته است. مگر نبود اسحاق بن عمار که با همه جلالت و احترامش در نزد امام، فقط با گفتن یک «نه» (نهی کسی از رفتن به سفر حج) به رنج و دشواری بزرگی گرفتار آمد. این نشان می‌دهد که یک کلمه چه تأثیر عظیمی در سرنوشت فرد دارد و چه عقوبت یا ثوابی را در آخرت به دنبال خواهد داشت.

این مسائل همگی شایان نشر و تبلیغ است. هرچه از سیره و روش پیامبر و معارفی که در اختیار ما قرار داده است گفته شود و نوشته گردد باز هم کم است. جوانان عزیز جا دارد که در آموختن این معارف، به ویژه تاریخ رسول الله ﷺ اهتمام و توجه بیشتری صرف کنند؛ ولو با خواندن کتاب مختصر و کوتاهی از زندگانی آن حضرت.

۳۲.....پیام آور خوبی‌ها

امروزه کتاب‌های خوب فراوانی در خصوص تاریخ و سیره آن حضرت و همین‌طور تعالیم ایشان در دست است که اگر کسی یک‌هزارم آن‌ها را هم بخواند از مطالب فراوانی درباره ایشان آگاهی می‌یابد که در راهنمایی خودش و دیگران بسیار سودمند واقع خواهد شد. کتاب زیبای مرحوم شیخ عباس قمی قَدْ صَدَّقَ با عنوان «کحل البصر فی سیره سید البشر» به زبان عربی از این نمونه‌هاست. نیز کتاب دیگر او «منتهی الآمال»، قسمتی که راجع به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است هم مرجع کوتاه و مفید دیگری است.

شایسته است که در این زمینه مطالعه شود و سپس با ابزارها و شیوه‌های موجود، از روزنامه و رادیو و تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای گرفته، تا حتی در موبایل‌ها و فضای مجازی، آن را نشر و بسط دهید.

امروزه در دنیا آزادی کمابیش موجود است. نباید فرصت‌ها را از دست داد. این مسئولیتی است که متوجه همگان، مرد و زن مسلمان است.



زشت و زیبا در آیین اسلام ..... ۳۳

### زشت و زیبا در آیین اسلام

در آغاز سخن آیه‌ای از قرآن کریم ذکر شد که در آن آمده است: «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ»<sup>۱</sup>. این آیه از طیبات (خوبی‌ها و پاکی‌ها) و سیئات (زشتی‌ها و پلیدی‌ها) سخن گفته است. خوبی‌ها در همه ابعاد زندگی ستودنی و خواستنی است. حتی در روابط انسان‌ها با یکدیگر هم جانب امور طیب و نیکو را باید رعایت کرد. در رابطه زن و شوهر با هم، شاگرد و استاد و بالعکس، فروشنده با مشتری، پدر و مادر و فرزندان در قبال یکدیگر، حتی حاکم در رفتارش با ملت خود و برعکس مردم در برابر حاکم و خیلی مسائل دیگر لازم است که طیبات را از سیئات بازشناخت و از سیئات دوری ورزید و رفتار خود را بر پایه آنچه طیب و پاک است بنا نمود.

---

۱. سوره الأعراف، آیه ۱۵۷.

۳۴.....پیام آور خوبی‌ها

در اینجا با اشاره‌ای به تاریخ پیامبر خدا ﷺ نمونه‌هایی از پیروی از طیبات و ترک خبائث را در زندگی سیاسی و اجتماعی آن حضرت بررسی می‌کنیم. حضرت به مدت ده سال در مدینه منوره حکومت اسلامی را بنا نهاده و اداره کردند. ایشان در این ده سال با انواع مشکلات از سوی منافقان که در داخل پیکر جامعه اسلامی بودند و مشرکان و اهل کتاب از بیرون آن، مواجه بودند. آنقدر مشکلات در تاریخ سیاسی و حکومتی پیامبر بسیار بود که دور از تصور است که حکومتی در تاریخ باشد که به آن اندازه دچار مشکل شده است. حکومت ایشان در این ده سال با بیش از هشتاد جنگ مواجه شد.

آخرین جنگ ایشان به فتح مکه انجامید که مشرکان بدون جنگیدن تسلیم حضرت شدند. در اکثر آن جنگ‌ها عموماً منافقان از داخل حکومت اسلامی برای مشرکان و دشمنان پیامبر ﷺ تجسس می‌کردند و فتنه

زشت و زیبا در آیین اسلام ..... ۳۵

جنگ را بر می افروختند. داستان یک یک این رویدادها در کتاب‌های تاریخ ثبت است.

روی سخن من اینجاست که در مدّت قریب به ده سال حکومت حضرت پیامبر ﷺ با همه مشکلاتی که با آن‌ها رو در رو بود، آیا مورخی یا کسی گزارش داده است که یک نفر، حتی یک نفر در حکومت آن حضرت از فرط گرسنگی جان داده باشد؟ آیا این، کفایت اقتصادی نیست؟ کجای دنیا چه در کشورهای اسلامی و چه غیراسلامی می توان حکومتی با شرایط پیامبر ﷺ یافت که به این درجه از کفایت اقتصادی دست یافته باشد؟ بنده تا آنجا که مطالعه کرده‌ام چیزی نیافته‌ام. اما در جهان امروز حتی در کشورهای پیشرفته و متمدن امروزی چه بسیار افرادی که به دلیل فقر و مسائل اقتصادی دست به خودکشی می‌زنند! با وجود چنین پدیده‌های ناخوشایندی چگونه دم از کفایت اقتصادی می‌زنند؟! این نوعی

۳۶.....پیام آور خوبی‌ها

نکبت و بدبختی اقتصادی است که عده‌ای در  
کشوری، هرچند اندک‌شمار از رنج مسائل اقتصادی  
اقدام به خودکشی می‌کنند.

### از کوتاهی‌های امرا و علما

قدری از این‌کار به دلیل کوتاهی کسانی است که  
می‌توانسته‌اند احکام اسلام را تبلیغ کنند و شیوه و  
سنت رسول خدا ﷺ را در دنیا رواج دهند اما این‌کار  
را نکردند. ولی مقدار زیاد آن به شقاوت خود انسان‌ها  
برمی‌گردد، قرآن کریم هم فرموده است: «بَلْ هُمْ قَوْمٌ  
طَاغُونَ»<sup>۱</sup> آنان قومی سرکش بودند».

سؤال اینجاست که چرا بعدی‌ها باز راه  
حکومت‌هایی را که با بدی و ظلم بر مردم چند  
صباحی حکومت می‌کنند و می‌روند، ادامه می‌دهند؟

---

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۳.

از کوتاهی‌های امرا و علما ..... ۳۷

آیا مگر عملکرد بد و فرجام بدتر آن‌ها را نمی‌بینند که دوباره راه آن‌ها را ادامه می‌دهند؟! آیا حکومت‌های پیشین، به بعدی سفارش کرده‌اند که شما هم شیوه ما را ادامه دهید؟! قرآن کریم توصیه به خوبی را امر کرده است آنگاه که فرموده: «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»<sup>۱</sup>. حال اینان آیا عکس آن عمل کرده‌اند و همدیگر را به تباهی و ظلم و فساد سفارش نموده‌اند؟! واقع آنکه اینها همگی از یک قماش‌اند و حکومت‌های طاغوت به‌شمار می‌روند؛ «بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَآغُونَ».

اینها همه راهی غیر از سیره پیامبر ﷺ را در پیش گرفته‌اند. امروزه در دنیا آدم‌ربایی از جرم‌های شایع است که هر از گاهی خبری در این‌باره در جراید دنیا پخش می‌شود. آیا در حکومت رسول خدا ﷺ هم چنین مسائلی بوده است؟ همه این مسائل به کفایت

---

۱. سوره عصر، آیه ۳.

۳۸.....پیام آور خوبی‌ها

اقتصادی حکومت آن حضرت برمی‌گردد، در حکومت امیرمؤمنان علیه السلام هم از این امور منفی خبری نبوده است.

### قلمرو پاک امیرمؤمنان علیه السلام

به مناسبت بد نیست از این داستان هم یاد کنیم. هنگامی که امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام خلافت را به دست گرفته بود معاویه در شام با مسئله‌ای که با عفت و آبرو در ارتباط بود روبرو شده بود و پاسخ آن را نمی‌دانست و هیچ‌کس هم نتوانست پاسخ درستی به او بدهد. نوشته‌اند که کسی را به صورت ناشناس روانه کرد و از او خواست بی‌آنکه نامی از او (معاویه) ببرد جواب مسئله را از حضرت امیرمؤمنان علیه السلام جویا شود و برای او بیاورد.

آن شخص به نزد حضرت آمد و مسئله‌اش را پرسید حضرت هم پاسخ او را داد. از آنجا که مسئله درباره

مسائل مربوط به عفت بود حضرت به او فرمود: این شخص (مبتلی به این مسئله) کجاست؟! چنین کسی در سرزمین من نیست؛ «لیس بأرضی». سرزمین حضرت خیلی پهناور بود. وسعت آن از شرق تا آن سوی ایران و فارس و از غرب تا دل اروپا و آفریقا کشیده می شد، فقط اهل شام به فرمان معاویه بودند و از آن حضرت اطاعت نمی کردند. در این پهنه عظیم از کره زمین حضرت با اطمینان خاطر می گوید چنین بی عفتی وجود ندارد. این دستاورد البته در حکومت های بشر، چه در زمان های گذشته و چه امروز، بی نظیر است، شکی نیست که آن هم نتیجه کفایت اقتصادی حکومت حضرت بوده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ های بسیاری که در دوران حکومتش در مدینه از سرگذرانید، هرگز به یارانش اجازه نداد که قطره ای آب از دشمن که پا در عرصه نبرد با آنها گذاشته است منع کنند، در حالی که

۴۰.....پیام آور خوبی‌ها

دشمنانشان بارها آب را در میدان جنگ بر روی آن‌ها می‌بستند. در یکی از جنگ‌ها یاران پیامبر ﷺ به ایشان عرض کردند که اجازه دهد آب را از سرچشمه‌اش بر روی دشمن ببندند تا مجبور شوند که تسلیم گردند. پیامبر ﷺ اجازه این کار را ندادند هر چه اصحاب اصرار کردند که با این کار افراد کمتری کشته می‌شوند و زودتر به پیروزی می‌رسیم، فایده‌ای نداشت و پیامبر نپذیرفت.

در واقعه صفین هنوز جنگ شروع نشده بود که اصحاب معاویه آب را به دست گرفتند و سپاه امیرمؤمنان (علیه السلام) را از نوشیدن آب منع کردند. حضرت به اصحابش امر کرد که حمله کنند و آب را از دست سپاهیان معاویه آزاد کنند، یاران حضرت آب را در اختیار خود گرفتند و سربازان معاویه را از آنجا راندند. سپاه معاویه که آب را از دست داده بودند وحشت کردند. به خیال آن‌ها چون قبلاً مانع سپاه



قلمرو پاک امیرمؤمنان..... ۴۱

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام از نزدیک شدن به آب شده بودند، اکنون آن‌ها نیز به آنان آب نمی‌دهند. بدون آب هم چندان دوام نمی‌آوردند و در نتیجه شکست آن‌ها در جنگ حتمی بود.

سخنان سپاه که به گوش معاویه و عمروعاص رسید، شگفت این‌که هر دو گفتند که علی علیه السلام آب را به روی ما نمی‌بندد. به همین دلیل است که معاویه از «اهل تابوت» است؛ زیرا می‌دانست ولی عمل نمی‌کرد، به فرموده قرآن «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا؛<sup>۱</sup> نعمت خدا را می‌شناسند اما باز هم منکر آن می‌شوند». آیا این را چیزی جز کفایت انسانی و شایستگی اخلاقی می‌توان دانست؟ نسبت ما با اسلامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سیره خود عملاً نشان دادند چیست؟ و چه اندازه سنت و سیره حضرت در کشورهای اسلامی

---

۱. سوره نحل، آیه ۸۳.

۴۲.....پیام آور خوبی‌ها

جاری و باقی است؟ واقع آنکه خود حضرت در احوال آخر الزمان فرموده است: «لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ»<sup>۱</sup> از اسلام چیزی جز نام آن باقی نمی‌ماند.

**کوشش‌های کشیش تازه مسلمان در راه تبلیغ آیین**

#### **اهل بیت علیهم‌السلام**

این مسائل اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در دین دارد؛ لذا نشر و تبلیغ آن، وظیفه‌ای عمومی و مسئولیت آن بر گردن همه ماست، پیش‌تر این مطلب را گفته بودم اینجا نیز به مناسبت یادی از آن می‌کنیم تا از کار نمونه‌ای موفق و خوب از مبلغان اسلام مروری کرده و درسی آموخته باشیم.

حدود دو‌یست سال پیش در ارومیه ایران، یک کشیش مسیحی می‌زیست که خیلی در کار خود

---

۱. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۳.

کوشش‌های کشیش تازه مسلمان در راه تبلیغ آیین اهل بیت.. ۴۳

مستعد و زرنگ بود، به گونه‌ای که آوازه او در آن زمان همه ایران را گرفت. این جوان مستعد در دوازده سالگی کشیش شده بود و به حدی رشد کرد که پس از چندین سال به مقام‌های بالای کلیسا دست یافت. در آن زمان کلیساهای ایران را کلیسای ارومیه رهبری می‌کرد، از قضا چند جوان شیعه در ارومیه با او چند جلسه‌ای عقاید همدیگر را به بحث و تبادل نظر می‌نشینند و دست آخر، کشیش مذکور به اسلام رهنمون می‌شود و نام خود را هم به محمد صادق تغییر می‌دهد. محمد را از آنجا که مسلمان شده است و صادق را به دلیل اختیار مذهب تشیع، برای خود برگزید.

این کشیش مستبصر پس از تحصیل علوم اسلامی و معارف اهل بیت علیهم‌السلام به تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام همت گماشت و به شهرهای مختلف ایران می‌رفت و تبلیغ می‌کرد. او که هم‌روزگار صاحب جواهر و

۴۴.....پیام آور خوبی‌ها

مرحوم کاشف الغطاء، یعنی پیش از شیخ انصاری و میرزای شیرازی بود، با سخنرانی‌های خود در شهرهای مختلف ایران، هزاران مسیحی را مسلمان شیعه کرد. یکی از کتاب‌های مشهور او بیان الحق نام دارد که در ده مجلد است که دو جلد آن به چاپ رسید. یک جلد از آن‌ها را در زمان مرحوم اخوی در جایی یافتم و برای ایشان آوردم. جلد چهارم کتاب ایشان درباره پیامبر اسلام ﷺ است. معجزاتی را که این مسیحی مسلمان شده برای پیامبر اسلام ﷺ ذکر کرده از کتب قدیمی و خطی نصارا و یهود بوده است که در کتاب‌های حدیث و تاریخ اسلام نیست، حتی در بحارالانوار هم پیدا نمی‌شدند. جلد چهارم این کتاب چاپ سنگی است و به حدود صد و پنجاه سال پیش بر می‌گردد. اگر با تحقیق و تبویب امروزی چاپ شود بالغ بر ده جلد خواهد بود، تازه، هشت مجلد از کتاب اصلی در دست نیست و از سرنوشت آن‌ها خبری

کوشش‌های کشیش تازه مسلمان در راه تبلیغ آیین اهل بیت.. ۴۵

نداریم که گم شده‌اند، یا به نحوی از بین رفته و یا طعمه شعله‌های آتش شده‌اند. بسیار پیش می‌آید که نسخه‌ای از کتابی قدیمی و ارزشمند در گوشه کتابخانه‌ای در یکی از کشورهای دنیا باشد و اهل علم و تحقیق از وجود آن بی‌اطلاع باشند، خود بنده یک بار در مطالعه فهرست کتابخانه یکی از کشورهای خارجی با یکی از کتاب‌های دست‌نویس علامه حلی مواجه شدم که تا آن زمان از آن کاملاً بی‌خبر بودیم. حال آنکه چگونه این کتاب به آن کتابخانه راه یافته، خدا داند، شاید ربوده شده باشد و یا شاید مسلمانی بی‌جهت و به ثمن بخس آن را به اجنبی‌ها فروخته باشد. جا دارد که جوانان مؤمن در یافتن دیگر مجلدات این کتاب ارزشمند کوششی کنند و فهرست‌های کتابخانه‌ها را از دور و نزدیک واریسی کنند، همان‌گونه که چند جوان غیور مسلمان کوشیدند و صاحب کتاب را از مسیحیت به اسلام و تشیع

۴۶.....پیام آور خوبی‌ها

هدایت کردند، خوب است اگر در یافتن و احیای آثار آن عالم بزرگ تلاش شود.

### مظلومیت شخصیت پیامبر ﷺ در زمانه ما

شاید برخی در ضرورت و وجوب این کارها تردید کنند، تبلیغ پیامبر اسلام ﷺ و معرفی او به جهانیان و نشر معارف ایشان، نه مستحب بلکه واجب است، اما واجب کفایی. پس تا هنگامی که «من فیہ الکفایة» نیست و کافه بشر ساکن در این دنیا هنوز با پیامبر ﷺ آشنا نشده‌اند، بر همگان واجب عینی است، مگر کسی که تبلیغ حقیقتاً از توانش خارج باشد. مثلاً در تزامم واجبات عینی ممکن است این واجب از گردن کسی ساقط گردد. در غیر این صورت همه، به ویژه جوانان مؤمن از دختر و پسر در هر گوشه دنیا، در یادگیری این مطالب و عمل کردن به آن‌ها و در مرحله بعد، تبلیغ آن، اهتمام بسیاری باید بورزند.

مظلومیت شخصیت پیامبر در زمانه ما ..... ۴۷

امروزه به جرأت می‌توان گفت که مظلوم‌تر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت طاهره ایشان علیهم الصلوٰة والسلام کسی در دنیا پیدا نمی‌شود. تا آنجا که من تتبع کرده‌ام چه بسیار شبکه‌های ماهواره‌ای مشغول به کار هستند و شبانه‌روزی دروغ‌ها و تهمت‌های ناروایی را به ساحت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهند. این شبکه‌ها که با هزینه‌های سرسام‌آوری اداره می‌شوند عمدتاً جز دروغ‌پردازی نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسائلی از این دست گویا وظیفه مهم دیگری ندارند. گاهی تعبیرهایی را درباره آن حضرت به دروغ نسبت می‌دهند که زبان از گفتن آن‌ها شرم می‌کند و شنیدن آن، دل هر مسلمان مؤمن را به درد می‌آورد.

گذشته از شبکه‌های ماهواره‌ای که شمار آن‌ها هم کم نیست و شاید بالغ بر صد شبکه باشد، جراید و مطبوعات دنیا هم بیکار ننشسته‌اند و بسیاری از آن‌ها هم به دامن‌زدن به این افتراها به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه

۴۸.....پیام آور خوبی‌ها

طاهرین عَلَيْهِ السَّلَام می‌پردازند. چندی پیش در یکی از کشورهای اسلامی مجاور، متأسفانه یک ناصبی به حضرت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام اهانت کرد. او به دروغ مطالبی به حضرت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نسبت داده بود که دور از شأن والای حضرت است و هیچ پایه و استنادی نداشت. از آنجایی که تا حدودی در آن کشور آزادی وجود دارد عده‌ای از مؤمنان علیه آن ناصبی به مراجع قضایی کشور خود شکایت بردند. قاضی به نفع آنان حکم داد و ناصبی را به حبس محکوم کرد، اما نواصب دیگر که دوست ناصبی خطاکار بودند با رشوه و ترفندهایی دوست خود را از حبس آزاد نمودند و حکم حبس او را الغاء کردند.

### همراهی و هم‌نیازی توئی و تبری

در کل تبلیغ رکن مهمی از دین و مایه دوام و ابقای آن است. از این‌رو همگی باید به آن به عنوان وظیفه‌ای



همراهی و هم‌نیازی تولی و تبری..... ۴۹

ناگزیر که بر عهده همه ماست بنگریم. دو روز دیگر بیشتر از ماه صفر باقی نمانده است و ایام عزای اهل بیت علیهم‌السلام تا هشتم ربیع الاول سالگرد شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام ادامه می‌یابد. ما هم به دستور العملی که ائمه معصوم علیهم‌السلام به دست ما داده‌اند که «وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا»<sup>۱</sup>، همه این موسم عزا را عزاداری می‌کنیم و در نهم ربیع الاول که به فرموده حضرات معصومین علیهم‌السلام عید است، ما نیز در آن روز عید می‌گیریم و در شادی آنان شادی می‌کنیم. درباره این روز، حدیثی قدسی نقل شده است و در آن، لفظ «تَعِيدُ» یعنی عید بگیرید آمده است. منظور از عید گرفتن، قطعاً دلشادی و فرح در قلب به تنهایی نیست، عید مفهومی بسا گسترده‌تر از این دارد. عید مناسبتی است الهی با شئون و اعمال ویژه خود. تولی و تبری دو رکن ایمان است، هر دو توأمان ضرورت

---

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

۵۰.....پیام آور خوبی‌ها

دین هستند و یکی بدون دیگری، سودی برای صاحبش ندارد. از این رو امور مرتبط با تبری را هر چند در فروع دین جای داده‌اند ولی همسنگ اعتقادات مهم هستند؛ زیرا متضمن اعمال و واجباتی هستند که باید انجام شود. از این رو، نباید در جانب تبری سستی کرد یا آن را کم و بی‌اهمیت انگاشت.

### **جوانان را دریا بید**

این حقایق را باید به گوش مردم به ویژه جوانان رسانید. چرا شاهد از دست رفتن برخی از جوانان هستیم؟ باید در راهنمایی و دست‌گیری آن‌ها تلاش و عنایت بسیار بورزیم. بی‌توجهی به این کار، چه از ناحیه پدران و مادران و چه بقیه مردم، نوعی قصور به شمار می‌آید. معلم‌ها باید در ارشاد جوانان زحمت بکشند، خود جوان‌ها هم در توجه به یکدیگر کوتاهی نکنند. جوان‌ها به دلیل نزدیکی سنی درک بهتری از هم دارند و بهتر می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند. در

جوانان را دریابید..... ۵۱

میان فامیل و آشنایان، در گروه همکاران، در کلاس درس و بحث، کلاً در هر مجموعه‌ای نسبت به دیگر اعضای آن باید در ارشاد و راهنمایی، احساس مسئولیت کرد. اگر جوانی در مسائل دینی خود دچار سستی و کاستی شده است حتماً باید او را کمک کرد، اگر هم توان گفتگو و ارشاد را در خود نمی‌بینید او را به دیگری راهنمایی کنید. خلاصه آنکه نباید از کنار او بی‌تفاوت بگذرید و او را باید دریابید.

در زمان رسول گرامی خدا و حضرت امیرمؤمنان علیه السلام، با وجود فعالیت‌های منفی و مخرب فراوان منافقان، که باعث گمراهی خیلی‌ها شدند، جوانان کما بیش از تبلیغات سوء آن‌ها در امان بودند. غالباً با راهنمایی‌ها و نصیحت‌های مؤثر و مفید مانع از گمراهی و لغزش جوانان به جز عده‌ای اندک از آن‌ها می‌شدند. امروزه هم نباید نسبت به از دست رفتن جوانان بی‌مسئولیت باشیم و واکنشی از خود نشان

۵۲.....پیام آور خوبی‌ها

ندهیم. در میان جوانان بسیار دیده می‌شود که واجبات خود را ترک می‌کنند و بعضاً به گناهان و محرمات هم خود را آلوده می‌کنند، بماند عده زیادی هم در عقاید خود دچار سستی و تردید شده‌اند.

مقدار زیادی از این فساد و ضلالت ناشی از فعالیت‌های شبکه‌های ماهواره‌ای معاند است. تبلیغات گسترده ماهواره‌ها در خدشه‌دار کردن چهره اسلام و پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در نظر جوانان و تحریف و تشکیک در معارف قرآن، آسیب‌های زیادی به جوانان مسلمان وارد ساخته است. اما قدری هم خود جوانان مقصرند که نسبت به همکیشان و دوستان خود آن‌گونه که باید بذل توجه و احساس مسئولیت از خود نشان نداده‌اند.

### پایداری و ایستادگی در تبلیغ

موضوعی که باید در تبلیغ و راهنمایی جداً رعایت نمود اینکه از نپذیرفتن و کارگر واقع نشدن

پایداری و ایستادگی در تبلیغ..... ۵۳

ارشادمان نباید دلسرد شویم. اگر کسی نصیحت را نپذیرد، نباید مأیوس شد، تا دهها و صد بار هم به آنها بگویید و تلاش کنید تا آخر نصیحت‌های شما مؤثر گردد. در جایی نوشته شده است که دوازده، سیزده پیامبر را خدای متعال روانه قبیله‌ای کرد و کلی زمان برای صحبت کردن و ارشاد آنها صرف شد ولی فایده‌ای نداشت. «فلم یؤمن منه احد؛ هیچ‌یک از آنها ایمان نیاورد».

قرآن کریم پیامبر ﷺ را سرمشق انسان‌ها می‌داند و مردم را به پیروی از ایشان و الگو گرفتن از رفتارهای او سفارش می‌کند. اصرار و متابعت در امر تبلیغ را نیز مانند دیگر امور باید از پیامبر ﷺ آموخت؛ لذا در راهنمایی دیگران با اولین پاسخ منفی نباید دلسرد و ناامید شویم.

### وظیفه سنگین‌تر علما و امرا

اهل علم و کسانی که تحصیلات حوزوی دارند، به دلیل آشنایی بیشتر با احکام دین و آگاهی‌های بیشترشان به طریق اولی باید در تبلیغ و آگاه ساختن مردم کوشش سستی ناپذیر داشته باشند، اما این بدان معنا نیست که وظیفه تبلیغ منحصر به این عده است و از دیگران ساقط است، هرگز. همه ما از پیر و جوان در این مسئله مسئولیم، اهل علم طبعاً نتایج بهتری از تبلیغ به دست می‌آورند، ولی دیگران هم باید کوشش خود را بکنند.

دو طایفه از امت وظیفه‌شان نسبت به دیگران بیشتر است: یکی علما و دیگری حکام. از حضرت پیامبر ﷺ در تأیید این سخن روایتی به این شرح در دست است که می‌فرماید: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي. قِيلَ يَا رَسُولَ

وظیفه سنگین تر علما و امرا..... ۵۵

اللَّهِ وَمَنْ هُمَا قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ؛<sup>۱</sup> دو گروه از امت من هستند که اگر صالح شوند، امت من صالح خواهد شد و اگر فاسد شوند، امت به فساد می‌گراید». از حضرت پرسیدند که اینان که هستند؟ حضرت پاسخ داد: «فقها و امرا».

حاکمان و امرا از آنجا که صاحبان قدرت و ثروت هنگفت هستند، تأثیر بسیار زیادی بر مردم تحت امارت خود دارند و مردم در بسیاری از امور آن‌ها را پیشوای خود می‌دانند و از کار و کردار آن‌ها تقلید می‌کنند. از این رو، اگر حاکمان بر مسیر صلاح و رستگاری باشند، ملت خود را به سوی خوبی‌ها و شایستگی‌ها رهنمون می‌کنند، و اگر - خدای ناکرده - از راه صلاح فاصله گرفته‌اند و به فساد آلوده

---

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۳۶.

۵۶.....پیام آور خوبی‌ها

شده‌اند، مردم هم با الگو گرفتن از آن‌ها به فساد و بدی کشیده می‌شوند. علما هم که به طریق اولی سرمشق مردم هستند. در صورتی که از وظیفه و نقش خود منحرف شوند و به فساد بیفتند خیل عظیمی از مردم را گمراه خواهند کرد.

البته باز هم تأکید می‌کنم که هدایت و راهنمایی صرفاً بر عهده این دو صنف نیست و متوجه همه صنوف مردم است. همه نسبت به کردار و رفتار یکدیگر مسئول هستیم. هر کسی در میان آشنایان و همکاران اگر جوانی ببیند که دچار انحراف شده باشد، چه اخلاقی و چه اعتقادی، باید در اصلاح و ارشاد او تلاش کند و سرسری و بی‌مسئولیت از کنار او نگذرد. این کار را هم به سان فریضه‌ای واجب بنگرد و در انجام دادن آن، پیگیر و با جدیت باشد.



تفاوت ازدواج جوانان در گذشته و امروز..... ۵۷

### تفاوت ازدواج جوانان در گذشته و امروز

ایام فرح اهل بیت علیهم السلام را در پیش داریم که فرصت فرخنده‌ای است برای امور خیر. جا دارد که در آن ایام جستجویی در فامیل و اطرافیان و حتی محیط درس و کار مثل حوزه و دانشگاه صورت بگیرد و اگر جوانی قصد ازدواج داشته باشد، ولی دختر مورد نظرش را به او نمی‌دهند، برای او صحبت کنید و موافقت دختر و خانواده‌اش را جلب کنید. اگر هم نشد، مورد دیگری برای او بیابید و او را سر و سامان بدهید. حضرت امام سجاد علیهم السلام - که عمری را به اندوه و بکاء بر پدر خویش گذرانید - در این باره تأکید فرموده‌اند و نگاه اسلام را به ازدواج، بسیار آسان و در نهایت سهولت دانسته است و ما اکنون این امر مقدس و ضروری را در نهایت تکلف و با صرف مبالغ هنگفت که در توان مالی هر خانواده‌ای نیست انجام می‌دهیم.

۵۸.....پیام آور خوبی‌ها

حضرت امام سجاد علیه السلام پذیرایی مراسم ازدواج در اسلام را با یک آبگوشت و حتی کمتر از آن می‌داند. ایشان برخی از ازدواج‌هایی که در زمان جدش، رسول الله و با وساطت ایشان انجام پذیرفته بود یاد می‌کند. گاهی حضرت پس از صرف آبگوشت دختر و پسری را به عقد هم درمی‌آورد و مهریه دختر را یک حلقه از آهن و نه طلا یا نقره قرار می‌داد. جوانی بود که حتی آن حلقه آهنی را هم نداشت حضرت به او فرمود: چیزی بیاور که مهریه دختر قرار بدهیم. جوان برگشت و گفت که هیچ ندارد. اینها عموماً از اهل صَفَه بودند و خوراک این عده را حتی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا چیزی از قرآن بلدی؟ از آن مقدار از قرآن که بلدی به جای مهریه دختر خانم به او قرآن بیاموز. تا این اندازه حضرت مهریه را در ازدواج آسان می‌گرفت و در کار ازدواج جوانان تسهیل می‌کرد.

تفاوت ازدواج جوانان در گذشته و امروز..... ۵۹

امروز چه دور افتاده‌ایم از سنت رسول خدا ﷺ و چقدر ازدواج برای جوانان دشوار شده است! باید تلاش کنیم که هر چه بیشتر به سنت رسول خدا ﷺ نزدیک شویم و ازدواج را که از مهم‌ترین امور در خصوص جوانان است ساده‌تر و بی‌تکلف‌تر اجرا کنیم. قریب به شصت سال پیش در کربلا بنده به خوبی به یاد دارم که چه اندازه مردم در پیشبرد این امر تلاش می‌کردند. در دیگر شهرها هم کم و بیش این روحیه باید بوده باشد. در آن زمان اگر کسی قصد ازدواج داشت، چه دارا بود و چه ندار، مردم به او کمک می‌کردند. هر کس به سهم خود دستی در کار می‌آورد و گوشه‌ای از آن را راه می‌انداخت. این‌گونه بود که سر یکی دو ماه آن ازدواج انجام می‌شد. جوانان به هر حرفه و شغلی که مشغول بودند، محصل بودند یا کاسب، همین که دوستان و آشنایان و اهل محل و افراد اطراف او باخبر

۶۰.....پیام آور خوبی‌ها

می‌شدند که آن جوان قصد ازدواج کردن دارد، همگی آستین بالا می‌زدند و او را کمک می‌کردند. این‌گونه بود که سر یکی، دو ماه خانم خود را به خانه می‌آورد و به خیر و خوشی ازدواج می‌کرد.

اما امروز وضع خیلی متفاوت شده است، شرایط ازدواج آنقدر دشوار شده و امکانات لازم آنقدر زیاد شده است که به راحتی جوانان نمی‌توانند ازدواج کنند. گذشته از آن، مردم هم مانند سابق به آن گستردگی در این کار شرکت نمی‌کنند و مساعدت‌ها خیلی خیلی کم شده است در حالی که در شرایط دشوار این زمانه باید بیشتر جوانان را کمک کنند و دست آن‌ها را بگیرند.

### تسهیل ازدواج جوانان در موسم ربیع

جوان، چه پسر و چه دختر، از هنگامی که بالغ می‌شود مستعد برای ازدواج کردن است. اگر ازدواج نکند، حقیقتاً با گزینه پرشور جنسی خود چه باید

تسهیل ازدواج جوانان در موسم ربیع ..... ۶۱

بکنند؟! بی شک یکی از این دو حالت بیشتر نیست و حالت سومى ندارد؛ یا اینکه - خدای ناکرده - به فساد کشیده مى شود و دامن خودش و دیگری را آلوده مى کند یا اینکه چنان ایمان استواری دارد که از گناه خود را حفظ مى کند ولی در عوض در برابر شعله های شهوت و غریزه اش اندک اندک مریض مى شود.

برای این منظور در مناسبت نهم ربیع که عید است در این موضوع در میان آشنایان و بستگان خود نگاهی بیفکنید و اگر پسر یا دختر جوانی را در آستانه ازدواج کردن یافتید دست او را بگیرید و به هر نحو ممکن او را یاری کنید. اگر مشکل مالی دارد به قدر وسع خود او را کمک کنید و اگر هم در راضی کردن دختر خانم موفق نبوده است در این راه خیر قدم بردارید. در صورت عدم جلب موافقت آن، البته دختران مؤمن و خوب و پاکدامن کم نیستند و مورد دیگری را به او پیشنهاد دهید. خلاصه جوانان را به ازدواج تشویق و

۶۲.....پیام آور خوبی‌ها

ترغیب کنید و تلاش کنید که بی‌همسر نمانند، این وساطت‌ها و پادرمیانی‌ها باعث می‌شود هم پسران از نعمت زن محروم نمانند و هم دختران دم‌بخت، بی‌شوهر نمانند.

این یک مسئولیت همگانی است و اعیاد اهل بیت علیهم‌السلام فرصت خوبی برای اجرای این امر خیر است. فردای قیامت انسان از امور خیر بسیاری که انجام نداده است حسرت‌زده می‌ماند. روایت‌ها در این باره به ما می‌گویند که چه بسا فردی هزاران سال در حسرت از دست رفتن اجر کار خوبی پشیمان خواهد بود. در آن روز بی‌گمان بسیاری حسرت خواهند خورد که چرا در ازدواج جوانان تلاش نکرده، با اینکه فرصت و توان این کار را هم داشته‌اند. روایت‌ها مخصوصاً درباره ازدواج و خواستگاری حاکی از اجر فراوان کسی است که پا پیش می‌گذارد و

از حرف تا عمل ..... ۶۳

قدم برمی دارد. روایت‌ها در قبال قدم‌های این شخص نیز ثواب فراوانی را گزارش کرده‌اند.

جوانان عزیز پسر و دختر هم در تسهیل امر ازدواج دوستان و آشنایان خود تلاش کنند، آن‌ها هم به جای خود می‌توانند خدمات ارزشمندی ارائه دهند و ازدواج را برای هم سن و سال‌های خود آسان‌تر کنند.

### از حرف تا عمل

اسلام یعنی این امور. اسلام راستین را باید در فرمایش‌ها و سنت‌های سنجیده و کارساز رسول خدا ﷺ و اهل بیت طاهرین ایشان علیهم‌السلام جستجو کرد، جز آن، اسلام نیست. البته بین حرف تا واقعیت، از زمین تا آسمان فاصله است. آیا صرف آنکه بر پشت برگه‌ای نوشته شود، آب یا نان، آب و نان به دست می‌آید؟ اسلام هم همین جور است. بیان و ذکر مسائل اسلام صرفاً برای تحقق احکام و آرمان‌های ناب

۶۴.....پیام آور خوبی‌ها

اسلامی کافی نیست. اسلام را باید در عمل به آن،  
محقق ساخت، نه در بیانِ خالی از عمل.

امیدوارم که خدای تبارک و تعالی همان‌گونه که به  
شما در دو ماه گذشته (محرم و صفر) حال و هوای  
عزاداری داد، در ده ماه پیش رو نیز در افراح و اعیاد  
ائمۀ علیهم‌السلام نشاط و توفیق تولّی و تبرّی، توأمان و نه  
یکی بدون دیگری، بدهد. آمین یا ربّ العالمین.